



تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۹

تاریخ بازنگری: ۹۸/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۰۸

تاریخ انتشار: ۹۸/۱۱/۱۵

## بررسی فقهی مدیریت بحران در بلایای طبیعی

حسن حسن زاده<sup>۱</sup> محمد ادیبی مهر<sup>۲\*</sup>

### چکیده

طبیعت و جهان هستی که رحمت فراگیر الهی به موجودات هستی است، نظام خاص خود را دارد که علاوه بر فوائد بی‌شمار، گاهی اوقات برای مخلوقات اثراتی زیانبار دارد؛ که حوادث طبیعی از آن جمله اند. انسان به علت ناآگاهی از حکمت وقوع این حوادث؛ غالباً با نگاهی ظاهری و داوری غیر منصفانه، بروز این بلایا را بی عدالتی و شر مطلق پنداشته و از حقیقت موضوع دور مانده است. با توجه به بیان حقیقت علل وقوع حوادث عالم طبیعت در آیات و روایات و ضرورت وجود مدیریت صحیح بحران جهت مقابله آگاهانه و تبدیل تهدید این بلایا به فرصت بهره برداری بشر؛ این پژوهش بر آن است تا با روشی توصیفی و تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای با بهره مندی از فقه پویای اسلام و کاربرد آن در حل مسائل مستحدثه به بررسی راهکارهای پیشگیری و مقابله با این حوادث و بیان مبانی فقهی مدیریت بحران در بلایای طبیعی بپردازد.

کلید واژه ها: حوادث طبیعی، مدیریت بحران، بلایا، پیشگیری

۱- دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فنی و حرفه ای خراسان شمالی، ایران. پست الکترونیکی: shahrivar59@yahoo.com  
 ۲- دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، پردیس فارابی دانشگاه تهران. قم. ایران. (نویسنده مسئول). پست الکترونیکی: madiby@ut.ac.ir

## مقدمه

جهان طبیعت که رحمتی الهی برای همه موجودات هستی است، دارای نظام خاصی است که گاهی علاوه بر فوائد بیشمار، اثرات زیانباری نیز دارد و بلاهای طبیعی از آن جمله اند. در این میان انسان به دلیل دانش اندکی که دارد، «و ما أوتینم من العلم الا قليلاً» (اسراء: ۵۸) هرگز نمی‌تواند از کنه علل و حکمت این حوادث آگاهی یابد، لذا آنها را شرّ مطلق می‌پندارد؛ در حالی که این نگاه ظاهری، فاصله زیادی با واقعیت حوادث دارد چرا که؛ «...فعسی أن تکرهوا شيئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً؛ چه بسا از چیزی کراهت دارید و خداوند در آن، نیکی فراوان قرار داده است.» (نساء: ۱۹) در زمینه حوادث طبیعی و مدیریت بحران تحقیقات زیادی صورت گرفته است لکن با توجه به مبانی فقهی قوانین ایران و پویایی فقه شیعه، این تحقیق با رویکردی جدید بر ضرورت اخذ راهکار فقهی در حل مسائل مستحدثه با مراجعه به منابع فقه تاکید می‌کند. لذا با توجه به بیان حقیقت حوادث در قرآن «...ما فرطنا فی الكتاب من شیء ما در کتاب آفرینش بیان هیچ چیز را فروگذار نکردیم» (انعام: ۳۸) و روایات بسیاری در حکمت وقوع آن‌ها، این پژوهش بر آن است تا با بهره‌مندی از فقه پویای اسلام، به بیان عوامل وقوع حوادث طبیعی و تحقیق در مبانی فقهی مدیریت بحران در بلاهای طبیعی بپردازد.

همچنین این پژوهش با ارائه تعریف از حوادث غیر مترقبه، ضمن بیان عوامل و اسباب وقوع حوادث طبیعی و بررسی آن در مدیریت بحران و مراحل مختلف آن علاوه بر تطبیق با مبانی فقهی شیعه به ذکر فوائد مادی و معنوی این سوانح از منظر فقه می‌پردازد.

## روش شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است که پس از توصیف و بیان مبانی فقهی مدیریت بحران‌های طبیعی به تحلیل فقهی مراحل مختلف بروز این بحران‌ها و جبران خسارات تابعه می‌پردازد. همچنین روش گردآوری اطلاعات براساس روش اسنادی است که با مراجعه به منابع، مقالات، سایت‌های معتبر و کتاب‌های نگارش شده در این زمینه به تحلیل و بررسی اطلاعات می‌پردازد.

## اهداف پژوهش

از جمله اهداف این پژوهش نیز می‌توان به کاربرد نتایج این تحقیق در مراحل مختلف تقنین، تصمیم‌گیری، سیاست-گذاری و برنامه‌ریزی بحران‌های طبیعی در سازمان‌ها و نهادهایی که در کاهش آثار مخرب این بحران‌ها در جامعه نقش موثری ایفا می‌نمایند، اشاره کرد.

## ۱- حادثه غیرمترقبه و انواع آن

حادثه در لغت به معنی پیشامد، سانحه و آسیب است. (عمید، ۱۳۶۳: ذیل عنوان حادثه) و غیرمترقبه نیز به معنی دور از انتظار و پیش‌بینی نشده می‌باشد. (معین، ۱۳۴۲: ذیل واژه غیرمترقبه). این واژه در اصطلاح اتفاقی است پیش‌بینی نشده که تحت تاثیر عامل یا عوامل خارجی به صورت ناگهانی رخ می‌دهد و موجب صدمه بر جسم و یا روان انسان می‌گردد. (مشهدی، ۱۳۸۹، ص ۹۵)

حوادث غیرمترقبه به دو دسته طبیعی و غیرطبیعی تقسیم می‌شود. حوادث غیرطبیعی، حوادثی هستند که انسانها در بروز، پیشگیری و مهار آنها نقش مستقیم دارند مانند به‌آتش کشیدن جنگلها و مزارع، جنگ، تصادفات، آلودگیهای زیست محیطی و...

حوادث طبیعی وقایعی است ناگهانی و پیش‌بینی نشده که بر اثر عوامل طبیعی رخ می‌دهد و باعث تحمیل خسارات زیادی می‌گردد و برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اضطراری دارد. مثل سیل، خشکسالی، زلزله و... (مشهدی، ۱۳۸۹، ص ۹۵) انسان نقش مستقیم و تعیین کننده ای در جلوگیری از وقوع این حوادث و یا کنترل آن ندارد، لکن می‌تواند نقش مهمی را در پیشگیری و جلوگیری از افزایش خسارات ایفا نماید.

## ۲- عوامل وقوع بلایای طبیعی

از جمله بدیهیاتی که تردید در آن روا نبوده و می‌تواند مؤثرترین سلاح علمی باشد، قانون علّیت است؛ یعنی هر حادثه علتی دارد. (علامه طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۸۵) خداوند نیز بدون دخالت اسباب، کاری انجام نمی‌دهد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند امتناع دارد که امور عالم را جاری کند مگر از طریق اسباب آن. (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۱۸۳) حوادث طبیعی نیز حاصل مجموعه‌ای از علت و معلول‌هاست که برخی خارج از اراده انسان و برخی ناشی از عملکرد او در قبال طبیعت است. البته انسان با قدرت عقل و اراده و پیشرفت در علم، اگرچه قادر به جلوگیری از بروز آن نیست لکن به میزان قابل توجهی، توانایی مدیریت و کاهش خسارات وارده و پیشگیری از وقوع برخی از این سوانح را دارد. نقش عملکرد انسان در وقوع حوادث طبیعی در موارد ذیل قابل بررسی است:

### ۲-۱- تخریب و بهره‌برداری بی‌رویه

نظم دقیق و تعادل طبیعت، در بقاء این کره خاکی و زندگی انسان نقش موثری دارد و تغییر نابجا و تخریب این سیستم، سبب به خطر افتادن حیات هستی می‌گردد. انسان برای رسیدن به رفاه و توسعه، با تخریب طبیعت و دگرگونی در وضعیت آب و هوای کره زمین، باعث به خطر افتادن سلامتی و حیات موجودات شده است. این شرایط به‌حدی وخیم است که موجبات تغییرات وسیع در اکوسیستمها و نابودی آنها و بروز حوادث طبیعی مهلک را فراهم آورده که امروزه از آن به عنوان «بحران محیط زیست» یاد می‌شود. شاهد این سخن، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آبی و در نتیجه خشکسالی، جنگل‌زدائی، بیابان‌زائی و در نتیجه پیشروی آب باران در زمین‌های صاف و ایجاد سیلابها، فرسایش خاکها و بالتبع رانش زمین و بروز ریزگردها می‌باشد.

در قرآن از تخریب طبیعت به عنوان اعتداء (تجاوز) نام برده شده (مائده: ۸۷) و از آن نهی شده است «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا». (اعراف: ۸۵) در روایات زیادی نیز، بر حفظ طبیعت و رعایت اعتدال در بهره‌برداری از آن سفارش شده است؛ امام علی (ع) انسان را مسئول حفظ طبیعت دانسته و می‌فرماید: «فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم». (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۳۳۱) پیامبر اسلام (ص) نیز می‌فرماید: «درخت بارور را قطع نکنید و زراعت را به آتش نکشید؛ زیرا شما نمی‌دانید، شاید در آینده به آن نیازمند شوید» (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۲۹) و نیز فرموده‌اند: «از آلوده کردن آب دیگران بپرهیزید». (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۶۵)

علی‌رغم اراده خداوند بر دخالت اسباب عادی در بروز حوادث طبیعی، عملکرد انسان می‌تواند نقش مهمی در تغییر سرنوشت بسیاری از حوادث طبیعی به نفع او داشته باشد؛ «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

بَأَنْفُسِهِمْ...» (رعد:۱۱) با وجود چنین ارادهٔ مثبتی است که خداوند نیز مطابق قاعدهٔ لطف، سرنوشت بشر را به سمت آسیب‌پذیری کمتر از این حوادث ناگوار، تغییر می‌دهد.

## ۲-۲- اسباب و عوامل معنوی

مطابق آموزه‌های اسلامی، واکنش‌های طبیعت تنها دلیل وقوع بلاهای طبیعی نیست، بلکه عوامل معنوی هم در تحقق آنها تأثیرگذار است، که می‌توان آن را در دو مقولهٔ ذیل بررسی کرد.

### ۲-۲-۱- ابتلاء

با توجه به آیات قرآن، یکی از حکمت‌های وقوع بلا بر انسان، ارادهٔ خداوند بر خالص گردانیدن مؤمنین بوسیله سختی‌ها و جداسازی آنان از مدعیان دروغگو با محک زدن صبر و ایمان ایشان در این آزمایشات می‌باشد. «وَلَنْبَلُوَنكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره:۱۵۵) در روایات نیز علت بروز بلاها، ترفیع درجه معنوی و قرب به خدا ذکر شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بلا برای ظالم مایهٔ ادب، برای مؤمن آزمایش و برای پیامبران مایهٔ ترفیع درجه و برای اولیاء بزرگواری است» (علامه مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۷۵، ص ۱۲۷)

### ۲-۲-۲- گناه

با توجه به آیات و روایات، یکی از علل برهم خوردن نظام طبیعت، معصیت انسان نام برده شده است؛ خداوند می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْتَفُوا عَنْ كَثِيرٍ» آنچه از مصیبت به شما رسد پس به خاطر دست‌آورد خودتان است و خدا از بسیاری گناهان می‌گذرد» (شورا:۳۰) در روایات نیز بر تأثیر گناه در ابتلای انسان به قهر طبیعت اشاره شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «خشکسالی جز به سبب نافرمانی از خدا بر قومی چیره نشود» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۸۳۳) امام صادق (ع) نیز فرموده‌اند: «زلزله و مانند آن، هشدارهایی است که مردم را تهدید می‌کند تا رعایت کنند و از گناهان دست بردارند» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۱، ص ۵۹)

## ۲-۳- مدیریت ناکارآمد در بحران

از جمله عوامل موثر در وقوع و یا افزایش خسارات حوادث طبیعی، مدیریت ناکارآمد در بحران می‌باشد. گاهی شدت حوادث طبیعی به حدی است که شیرازه زندگی روزمره، ناگهان گسیخته شده و وضعیت بحرانی ایجاد می‌شود. این وضعیت شرایطی است که در اثر رخدادها و عملکرد طبیعی و انسانی بطور ناگهانی و خارج از توان مجموعه مدیریت بحران و امکانات یک منطقه بوجود می‌آید. (مشهدی، ۱۳۸۹: ص ۵۸) در این مواقع، شناخت هر چه دقیق‌تر بحران، به کنترل، هدایت و مدیریت پذیر کردن آن توسط مدیران بحران کمک موثری می‌کند. (حسینی، ۱۳۸۵: ص ۹)

مدیریت بحران، فرایند عملکرد و برنامه‌ریزی مدیران دستگاه‌های اجرایی دولتی و عمومی است که با مشاهده و تجزیه و تحلیل بحران‌ها، تلاش می‌کند بصورت جامع و هماهنگ با استفاده از ابزارهای موجود از وقوع بحران پیشگیری نموده و یا در صورت بروز، آمادگی لازم جهت واکنش سریع به منظور کاهش آثار و بهبود اوضاع را ایجاد نمایند. (مشهدی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۳)

مدیریت بحران دارای مراحل مختلفی است که از آن بعنوان چرخهٔ مدیریت بحران در حوادث نام برده می‌شود. این مراحل عبارتند از: پیشگیری، آمادگی، مقابله، بازسازی و بازتوانی. (قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور: ماده ۲)

حال با تبیین مراحل مختلف مدیریت بحران اعم از قبل، حین و بعد از وقوع بحران به ارزیابی عملکرد این مدیریت و ریشه‌یابی فقهی آن می‌پردازیم.

۲-۳-۱- قبل از وقوع بحران

۲-۳-۱-۱- پیش‌بینی و پیشگیری

پیشگیری در کلیه امور بهتر از مبارزه و درمان است و حوادث طبیعی نیز با عدم رعایت اصول پیشگیری است که تبدیل به فاجعه می‌گردد و این مهم نیازمند آگاهی جامعه و گسترش آن در جوامع انسانی است. لذا مهمترین روش برای مقابله با بلایای طبیعی، مساله پیشگیری است که در چند مبحث بیان می‌شود.

۲-۳-۱-۱-۱- فرهنگ‌سازی

یکی از راهکارهای موثر در پیشگیری از وقوع حوادث طبیعی، پایه‌گذاری عمیق فرهنگ ایمنی در پیشگیری از مخاطرات طبیعی است که ترویج آن در جامعه کنونی ما، به دلیل قرارگرفتن در محل تلاقی فرهنگ اصیل ایرانی و تعالیم عالی اسلام، می‌تواند آحاد مردم را بعنوان حافظان منابع طبیعی و ناظران نظام مهندسی تربیت کند. این «فرهنگ‌سازی» که با تکرار و تذکر به وجود می‌آید؛ در قرآن نیز مورد توجه قرار گرفته «وَ ذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات: ۵۵) و می‌تواند توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، مراکز علمی و رسانه‌های گروهی، در جامعه نهادینه شود. به عنوان مثال می‌توان به گسترش رویکرد خوشبینانه به بیمه جهت ورود این سیستم نوین مالی به جریان جبران بخشی از خسارات حوادث به منظور ترمیم و تسریع در بازسازی و بازتوانی پس از بحران و یا ایجاد فرهنگ بهبود در صنعت ساخت‌وساز و حمایت از ایده تقویت بناهای چوبی با استفاده از تجربه موفق کشور زلزله خیز ژاپن در این مورد اشاره کرد. (شاه پری، ۱۳۹۵: ص ۳۵۲)

۲-۳-۱-۱-۲- اصل عدالت

عدالت در لغت به معنای مساوات و برابری و تقسیم نمودن به‌طور مساوی است (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۲۵) ثروت‌های طبیعی جهان، ملک حقیقی خداوند است و خداوند ضمن اعطای مالکیت اعتباری به انسان در استفاده از این امانت الهی، به او اجازه داده است این ثروت‌ها را مطابق مقررات و منافع عمومی جامعه به خود اختصاص دهد. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۱)

خداوند هرآنچه در زمین است را برای همه ی انسان ها خلق کرده است نه افرادی خاص و یا نسل موجود ؛ «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، ۲۹) البته هرچند خداوند در آفرینش هستی و ساماندهی اجزای آن، طبیعت را پاسخ گوی همه ی نیازهای بشر خلق کرده است، اما مسلماً طبیعت قادر به جوابگویی در مقابل حرص و ولع انسان ها در استفاده از منابع طبیعی نیست. چرا که این منابع دارای قدر و اندازه ی معینی است (رعد، ۸) و با بهره وری نادرست انسان کاهش یافته و نظام طبیعت دچار اختلال می شود. بنابراین برای حفظ و تداوم نظام اجتماعی بشر در زمین، یکی از ضروریات، تنظیم روابط انسان با محیط پیرامون از طریق وضع قوانین اعتباری است.

در حقوق اسلامی، اصل عدالت از اصول اساسی در امور اجتماعی بویژه در تربیت زیست محیطی جامعه، به شمار می رود، به طوری که هیچ فرد یا گروهی مجاز نیست منابع طبیعی را به طریقی مورد بهره کشی قرار دهد که موجب زیان به دیگران شود یا دیگران را از حق بهره وری محروم کند. بر این اساس ضروری است که در برخورد با طبیعت و منابع آن، همواره دو اصل بسیار مهم مورد توجه قرار گرفته و رعایت شود: یکی «عدالت درون نسل ها» و دیگری

«عدالت بین نسل ها». یعنی بایستی روابط جدیدی بین انسان و طبیعت شکل گیرد که پایه آن بهره برداری منصفانه و توزیع عادلانه ی منابع است بدین معنا که انصاف و اعتدال در بهره وری بین افراد نسل حاضر و نیز میان آن ها و نسل های آتی رعایت شود. (احمدی، ۱۳۹۳)

در مورد عدالت درون نسلی، اگر ساختار نظام اجتماعی در بهره مندی از منابع طبیعی بر اساس اصل عدالت شکل بگیرد و قدرت، امکانات و محدودیت ها درست و عادلانه توزیع شود علاوه بر اینکه همه افراد یک نسل می توانند جهت رفع نیازهای اساسی خود از منابع طبیعی استفاده کنند، از تخریب محیط زیست که زمینه ساز وقوع حوادث طبیعی ناگوار است نیز جلوگیری می شود. به عنوان مثال اگر امکانات و فرآورده های سوختی بطور عادلانه و یکسان در اختیار ساکنان تمامی مناطق کشور قرار گیرد، قطعاً دیگر شاهد نابودی جنگل و بیابان زایی برای رفع نیازهای حیاتی روستاییان و در نتیجه وقوع حوادث طبیعی مانند سیلاب، خشکسالی، ریزگرد و... و نیز خسارات ناگوار تابعه نخواهیم بود.

با طرح مسئله ی توسعه ی پایدار در دهه های اخیر و تأکید فراوان بر حفظ محیط زیست، به اصل عدالت بین نسلی توجه بیشتری شده است؛ چرا که با توجه به محدودیت منابع طبیعی، نه تنها انسان های نسل حاضر، بلکه نسل های آینده نیز باید از این موهبت الهی بهره مند گردند. علاوه بر آن آلودگی ها و ضایعات ناشی از بهره برداری بی رویه که ممکن است نسل های بعدی را در معرض خطر قرار داده و کیفیت محیط زیست سالم و فرصت های انتفاع را از آن ها سلب کند نیز، باید در نسل های کنونی مدیریت شده و از آسیب های آتی جلوگیری شود تا از افراط در بهره برداری نسل حاضر از منابع طبیعی که علاوه بر به خطر انداختن حیات موجودات و ظلمی آشکار به نسل های کنونی و آینده و نیز از عوامل وقوع حوادث مرگبار طبیعی است پیشگیری شود.

به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی، انفال و ثروت های عمومی در اختیار حکومت اسلامی است تا طبق مصالح عامه نسبت به آن ها عمل نماید. حکومت اسلامی می بایست بطور عادلانه از طریق قانونگذاری، شرایط و محدودیت های بهره برداری از منابع ملی را تعیین نموده و بر آن نظارت دقیق داشته باشد تا زمینه رفاه عمومی بطور یکسان برای همه مردم فراهم گردد. یکی از مولفه های رفاه عمومی، داشتن محیط زیست سالم و پاکیزه است و ضروری است تا با هر فعالیتی که به گونه ای، رفاه عمومی را مختل می سازد، برخورد شود. اصل ۴۸ قانون اساسی نیز بر این مسأله تأکید می کند و هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل شدن نظم جامعه منجر می شود را ممنوع می داند. برای مثال هر گاه بر اثر بهره برداری بی رویه، منابع طبیعی از بین برود یا آسیب جدی ببیند و در نتیجه، نظام بهره برداری از آن مختل شود، این آزادی مشروع جهت بهره برداری، برای حفظ تداوم و سلامت حیات و حفظ حقوق نسل های آینده محدود می شود.

در بند ۹ از اصل سوم قانون اساسی نیز که در آن، وظایف دولت تبیین شده است، مطابق اصل عدالت، وظیفه ای اساسی برای دولت در نظر گرفته شده است که عبارت است از: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی»، که مطابق محتوای این بند در صورت استفاده برابر از امکانات و تکنولوژی روز، علاوه بر استفاده بهینه از منابع طبیعی و زیست محیطی، امکان تخریب طبیعت و بروز حوادث طبیعی ناشی از آن کاهش پیدا می کند. لذا حفظ نظام طبیعت به منظور توسعه پایدار و ایجاد فرصت های بهره برداری برابر درون نسلی،

می بایست به عنوان یک ضرورت در ایجاد عدالت بین نسلی با هدف ذخیره سرمایه های طبیعی و عدم کاهش آن در طول زمان، مد نظر قرار گیرد.

#### ۲-۳-۱-۱-۳- قانون گذاری و نظارت

در سال های اخیر علی رغم تصویب قوانین متعدد و تخصیص بودجه در زمینه ارتقاء ایمنی ساخت و ساز؛ عملاً اقدامی در این زمینه صورت نگرفته و این قوانین با نقص های فراوانی در مراحل مختلف تقنین و اجرا و عدم بازدارندگی موثر در این صنعت مواجه هستند. این مسئله که باعث ایراد بیشترین خسارات جبران ناپذیر در بلایای طبیعی به سازه ها می شود؛ می تواند با افزایش آگاهی شهروندان و مطالبه گری رسانه ها و سازمان های مردم نهاد در جهت الزام قانونی نهادهای حاکمیتی به ایجاد تحول در قانون نظام مهندسی و ساختمان، همراه با نظارت موثر بر اجرای آن و مجازات خاطیان و نیز الزام مالکان به داشتن یک پوشش حداقلی بیمه ساختمان، عملاً زمینه بهبود اوضاع صنعت ساختمان را فراهم سازد.

با دقت در میزان خسارت بوجود آمده در زلزله بم می توان رد پای ضعف و عدم مدیریت در طراحی و اجرای سازه های عمرانی را در تخریب گسترده آنها مشاهده کرد. بنابراین نیاز مبرم به تاسیس شرکت های بازرسی به منظور کنترل و استانداردسازی ساختمان و مصالح ساختمانی و نظارت بر مکان یابی احداث سازه ها و رعایت حریم گسل، مسیل، رودخانه، مناطق شیب دار و مستعد زمین لغزش، بیش از پیش احساس می شود. (اسماعیل زاده، ۱۳۹۳: ص ۱۸)

البته این مساله فقط در صنعت ساختمان خلاصه نمی شود، بلکه در بسیاری از موارد که عدم نظارت می تواند موجب بروز خسارتهای زیست محیطی شود نیز وجود دارد. به عنوان مثال می توان به ارتباط عدم مدیریت در آبیاری سنتی و حفر چاه های غیرمجاز با افت شدید منابع آب زیرزمینی و بروز خشکسالی و یا تاثیر قطع درختان جنگل، چرای بی- رویه مراتع و کمبود نیروی محیط بان جهت نظارت و کنترل، در بیابان زائی و بروز سیلاب و ریزگردها اشاره کرد.

#### ۲-۳-۱-۱-۴- اصل وجوب دفع ضرر محتمل

از جمله اصولی که در جهت پیشگیری از خسارات وقایع طبیعی مورد استناد قرار می گیرد اصل عقلی دفع ضرر محتمل است که مضمون آن حکم عقل به وجوب دفع ضرر احتمالی و یا مظنون می باشد. (آخوند خراسانی، ۴: ۲۰۶)

مبنای اصل احتیاط نیز حکم عقل به لزوم دفع ضرر محتمل است؛ لذا هرگاه در مورد ترک یا انجام کاری، احتمال ضرر باشد؛ عقل به احتیاط حکم می کند. (خویی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۱۸۶) این برهان عقلی که از آن در غرب به «شرط پاسکال» یاد می شود می تواند در برآورد خطر و کاهش آسیب پذیری حوادث طبیعی نقش مهمی ایفا نماید؛ چرا که عقل سلیم حکم می کند که انسان با در نظر گرفتن ژئوپولوتیک و جغرافیای زمین مسکن خود را در مسیل و یا روی گسل قرار نهد و گرنه مصداق کسی خواهد بود که خود را با دست خویش به هلاکت افکنده «...وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...» (بقره: ۱۹۵) و نمی تواند کسی جز خود را ملامت کند، چرا که خود کرده را تدبیر نیست. پیامبر اکرم (ص) نیز می فرماید: «سه گروه اند که خداوند آنها را دوست ندارد؛ کسی که در خانه خراب، یا در محل گذر سیل، منزل کند، و شخصی که حیوانش را رها کرده سپس از خدا بخواهد که آن را نگهدارد». (شیروانی، ۱۳۸۶: ص ۱۸۴)

#### ۲-۳-۱-۱-۵- امر به معروف و نهی از منکر





در قرآن نیز در بحران خشکسالی مصر، حضرت یوسف(ع) در مدیریتی منسجم، با بسیج همه دستگاه‌های دولتی و مردمی، اوضاع بحرانی پیش‌رو را به بهترین وجه برنامه‌ریزی و اجرا کرد. (یوسف: ۵۵-۴۳) در جامعه امروزی نیز ضرورت دارد که مدیران، ضمن رصد دقیق عوامل بروز سوانح طبیعی با جدی شمردن احتمال وقوع آن و استفاده از تجارب مشابه قبلی، ضمن ایجاد آمادگی لازم برای مقابله با خسارات احتمالی از غافلگیری مجدد جلوگیری نمایند.

#### ۲-۳-۱-۲-۲- آمادگی نیروی انسانی

مدیران اجرایی، پرسنل امدادی و مردم، سه رکن اصلی در مقابله با حوادث غیرمترقبه هستند؛ لذا آموزش‌های عمومی و تخصصی امداد و نجات به اقشار مختلف جامعه با توجه به نیازسنجی و مخاطب‌شناسی و با هدف گذاری دقیق، می‌تواند جامعه را در مواجهه با حوادث یاری نماید.

در جوامع برخوردار از امنیت، یکی از مطلوبترین راه‌های برخورد با سوانح و کاهش خسارات بحران، بازی شبیه سازی (مانور) است که ابزار مفیدی برای رسیدن به هدف محسوب می‌شود. (Foster, 1980: p77) آموزش عملی، می‌تواند ضمن ارتقاء سطح آمادگی مردم در برابر حوادث طبیعی، کمک قابل توجهی به کاهش خسارات نماید. در این میان نباید از نقش مهم تجربیات قبلی و غافلگیری در مواجهه با بحرانها غفلت کرد؛ به فرموده پیامبر اکرم(ص)، «خردمند کسی است که از یک سوراخ دو مرتبه گزیده نشود». (علامه مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۳۲)

#### ۲-۳-۱-۳-۲- آمادگی امکاناتی

مدیریت بحران نیازمند امکانات و وسایل امدادی خاص می‌باشد که علاوه بر توجه به تفاوت نیازمندی و تخصص گروه‌های مختلف امدادی، تهیه و تامین آنها در زمان بروز حوادث، بسیار سخت و گاهی غیرممکن است. (مشهدی، ۱۳۸۹: ص ۶۲) این آمادگی که در نهایت منجر به افزایش توانمندی در مواجهه با سوانح می‌شود، شامل ارتقاء فناوری‌های پیشرفته پیش‌بینی و هشداردهی، تقویت ناوگان امدادی، بروزرسانی تجهیزات و... می‌باشد.

قرآن نیز بر ضرورت آمادگی کامل مسلمانان در مقابل هر نوع بحران، آنها را به تجهیز امکانات مورد نیاز به منظور غافلگیرنشدن و کاهش آسیب‌پذیری فراخوانده و بهره‌مندی از امکانات کارآمد را در پیروزی آنها موثر می‌داند «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ». (انفال: ۶۰)

#### ۲-۳-۲- مرحله حین وقوع بحران

در زمان وقوع حوادث طبیعی، ارائه خدمات اضطراری با هدف نجات جان و مال حادثه‌دیدگان و جلوگیری از گسترش خسارات در اولویت قرار دارد. این مرحله در موارد زیر قابل بررسی است:

#### ۲-۳-۱-۳-۲- سازماندهی

سازماندهی و هماهنگی از جمله مهمترین ضروریات در مدیریت بحران است که ضمن برقراری انضباط کاری، موجب افزایش خدمت‌رسانی موثر به حادثه‌دیدگان می‌شود. منظور از سازماندهی، تعیین و تجهیز دسته‌های نیروی انسانی و برقرار نمودن مسئولیت، نظم و ارتباطات منطقی بین آنها، در جهت نیل به اهداف تعیین شده می‌باشد؛ چرا که تمامی تیم‌های عملیاتی با توجه به تنوع اهداف و اقداماتی که دارند، می‌بایست مطابق تخصص و صلاحیت آنها تفکیک گردیده و طی رعایت سلسله مراتب و ارتباط منطقی توسط فرماندهی بحران سازماندهی شده و انجام وظیفه نمایند.

(مشهدی، ۱۳۸۹: ص ۹۹)

در روایات نیز سازماندهی در مدیریت اسلامی همراه با برنامه ریزی، نظم و نظارت بر عملکردها، مورد تاکید واقع شده است؛ حضرت علی(ع) ضمن دعوت مردم به رعایت نظم، «اوصیکم بتقوی الله و نظم أمرکم» (نهج البلاغه: ۵۵۸) می فرماید: «ظرافت و دقت در برنامه ریزی بهتر از امکانات است». (خوانساری، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۱۰۷) ایشان به مالک اشتر می فرماید: «با فرستادن مأموران مخفی، راستگو و با وفا، کارهای آنان را زیر نظر بگیر، زیرا بازرسی مداوم پنهانی سبب می شود که آنها به امانت داری و مدارا کردن با زیردستان ترغیب شوند» (نهج البلاغه: ۵۶۴)

۲-۳-۲-۲- هشدار و تخلیه

مدیریت بحران در این مرحله، به منظور جلوگیری از بروز حوادث جدید، با توجه به ضرورت دفع خطر محتمل، ضمن اطلاع رسانی و هشدار به حادثه دیدگان، آنها را از محل حادثه دور کرده و پس از عملیات تخلیه، زمینه امداد و نجات را فراهم می سازد. نمونه این مدیریت بحران را می توان در دور کردن زنان و کودکان در هنگام سوختن خیمه ها در روز عاشورا و دستور امام سجاد(ع) مبنی بر فرار ایشان از صحنه حادثه «علیکن بالفرار...» (محمدی اشتهازدی، ۱۳۹۳: ص ۳۸۱) مشاهده کرد که منجر به نجات جان ایشان و جلوگیری از بروز حوادث جدید گردید.

۲-۳-۲-۱- قاعده هشدار (تحدیر)

قاعده هشدار (تحدیر) برگرفته از حدیث «قد عذر من حدّر: کسی که هشدار داده است معذور است» منسوب به امام صادق(ع) است. بر اساس این قاعده، اگر کسی پیش از اقدام به کاری که احتمال دارد از رهگذر انجام آن، خطری متوجه دیگری گردد، هشدار دهد و با وجود این هشدار، مخاطب یا شنونده به هشدار وی بی توجهی کند و ترتیب اثر ندهد و خود را در معرض خطر قرار دهد و در نتیجه در اثر فعل شخص هشداردهنده خسارتی به هشدارشونده وارد آید، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۲۳۵)

بر اساس این قاعده، اقدام به هشدار، می تواند رافع مسئولیت باشد و ضمان را از ذمه مکلفان و اشخاص حقیقی و حقوقی بردارد. برای مثال، در مبحث مدیریت بحران حوادث طبیعی، هشدار خطر سیل، سونامی، طوفان و یا موج سرمازدگی و ... قبل از وقوع این حوادث، توسط سازمان هواشناسی و از طریق رسانه های گروهی، می تواند مصداقی از این قاعده باشد که این اعلام خطر حاکی از کاربرد قاعده مذکور در جوامع امروزی می باشد.

در عبارات بعضی از حقوق دانان و فقها، روایت قاعده تحدیر، ارشاد به عقل داشته و به تعبیر دیگر، هر آنچه عقل عملی حکم می کند شارع نیز بدان حکم می نماید. لذا قاعده ملازمه «کَلِمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ، حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» نیز در این مورد جاری می شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۴)

۲-۳-۲-۲- کاربرد قاعده هشدار

امروزه هر یک از سازمان های دولتی برحسب نوع کار و فعالیت خود و بر اساس قوانین و آیین نامه های داخلی خود و حتی در موارد خلأ قانونی مطابق حکم عرف، مکلف به هشدار در موارد احتمال خطر و خسارت به مردم می باشند. از جمله مواردی که می تواند جزو مصادیق خطای اداری و مسئولیت مدنی دولت نسبت به شهروندان باشد، کوتاهی و قصور در اطلاع رسانی و آموزش همگانی و اعلام هشدار در موقعیت های خطرناک و خسارت زا به ایشان است. به عنوان مثال قصور وزارت راه در نصب علائم هشداردهنده جاده ای و یا کوتاهی سازمان هواشناسی در اعلام خطر طوفان و موج سرما و ... و همچنین قصور وزارت بهداشت و درمان در اطلاع رسانی مناسب و کافی در احتمال ایجاد و سرایت بیماری های خطرناک مسری در جامعه و بسیاری از موارد دیگر که از جمله تکالیف سازمانی هشداردهندگی



شخصی خود با ساخت کارخانه ای صنعتی بدون در نظر گرفتن قواعد و اصول دفع پسماندها و آلودگی هوا موجب ورود خسارات زیست محیطی شود اگر چه مطابق با اصل تسلیط دارای حق خصوصی بهره برداری از مایملک خود بوده و این بهره برداری، مجاز و برای اقتصاد و تامین معیشت آن شخص مهم است، لکن آلودگی حاصل از بی دقتی مالک در این زمینه، باعث تضییع حق عمومی که همان اصل اهم حق حیات جامعه است شده و لذا قانونگذار می تواند مطابق با قاعده لزوم تقدم اهم بر مهم از ادامه فعالیت و آلودگی های زیست محیطی تولید شده در آن ملک ممانعت به عمل آورد.

همچنین می توان مسائل فراوانی را که امکان وقوع و اقدام، آن ها با یکدیگر مقارن و همزمان است را در این قالب بررسی کرد. مثلاً زمانی که حکم واجب دایر می شود بین نجات فرد عاقل و مجنون، فرد کبیر و صغیر، جان و مال، خویشاوند و غیر خویشاوند، مسلمان و غیر مسلمان که می توان با توجه به این قاعده راهگشا واجب مهم را رها و مهم تر را (عاقل، کبیر، جان، خویشاوند، مسلمان) در اولویت نجات قرار داد.

۲-۳-۲-۲-۳-۲-۲ قاعده لاضرر

قاعده فقهی لاضرر که در سرتاسر فقه به آن استناد می شود، از قواعد مهمی است که در همه دوران ها در بسیاری از مسائل اقتصادی و اجتماعی از جمله پیشگیری از بحران های ناشی از حوادث طبیعی و مدیریت آن ها می تواند کارساز باشد. اهمیت قاعده یاد شده به اندازه ای است که شماری از متفکران اسلامی، از آن، به عنوان راز و رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت ها و توسعه فرهنگ یاد کرده اند. (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۳۵) بر اساس این قاعده، در اسلام، حکم ضرری وضع نشده و هیچ فردی نباید به دیگری ضرر برساند. (سبزواری، ۱۴۱۳: ص ۱۵۶)

اگر چه قاعده لاضرر قاعده ای ثابت و تغییرناپذیر است، اما مصداقهای ضرر، اعم از اعمال و اشیای ضرری، برحسب زمان ها و مکان های مختلف متغیر و نسبی است. مثلاً در گذشته، روستائیان با آزادی کامل و به دور از هیچ گونه محدودیت عرفی و قانونی از پوشش گیاهی مراتع جهت چرای دام و گرمایش منازل خود و ... استفاده می کردند ولی در شرایط کنونی با پیشرفت تکنولوژی و ازدیاد جمعیت انسانی و دامی و کاهش محدوده مراتع، این عمل (بهره برداری بی رویه) به دلیل بیابان زایی، فرسایش خاک و از بین رفتن پوشش گیاهی که مانع از بروز حوادث طبیعی مانند ریزگردها و سیلاب می شود، به عنوان ضرر به محیط زیست تلقی شده و جرم انگاری و ممنوع اعلام شده است. لذا قانونگذار برای جلوگیری از تخریب بیشتر و بر اساس قاعده لاضرر، مناطقی را به عنوان (محدوده قرق) در نظر گرفته تا ضمن جبران کاهش منابع طبیعی، از تبعات بهره برداری بی رویه و وقوع حوادث ناگوار طبیعی نیز جلوگیری کند.

قاعده لاضرر گذشته از نقشی که در فهم و کشف احکام شرعی دارد، میزان اهمیت مصالح عمومی و حرمت حقوق اجتماعی را در نظام حقوقی اسلام نشان می دهد. به عنوان مثال حفر چاه در گذشته عرفاً و قانوناً در هر زمین ملکی به عنوان یک حق شخصی به رسمیت شناخته می شد و هر مالکی حق داشت در ملک خود، برای مصارف مختلف آن را حفر کند. اما امروزه به دلیل کمبود منابع آبی و خشکسالی، حفر چاه حتی در ملک شخصی، باید با توجه به ضوابط قانونی سازمان آب صورت گرفته و میزان دبی استخراجی از آن چاه، مطابق نظارت این سازمان و به طور محدود برداشت شود تا نسل های آتی نیز از این منابع خدادادی بی بهره نشوند. لذا بر اساس قاعده لاضرر بهره برداری بی

رویه از منابع آبی حتی در ملک شخصی، بدلیل پیشگیری از وقوع خشکسالی و کمبود منابع آب زیرزمینی از اشخاص گرفته شده است.

قاعده لاضرر از بنیادی ترین قواعد فقهی است که با پذیرش نقش اثباتی آن در احکام شرعی می توان به جبران خسارت ناشی از تجاوز به سرمایه های زیست محیطی استناد نمود؛ زیرا همانگونه که ایراد زیان به سرمایه های مادی و معنوی خصوصی بدون جبران نمی ماند، ایراد خسارت به مهمترین سرمایه ی طبیعی بشر نیز نمی تواند نادیده گرفته شود. لذا قانونگذار مطابق این قاعده پیشگیرانه در زمینه هایی مانند ساختمان سازی، استفاده از منابع آبی، صنایع و تکنولوژی و... به منظور رعایت اصول ایمنی در سازه های عمرانی و نیز جلوگیری از هدر رفت منابع آبی و کنترل آلاینده های صنعتی، اثبات حکم نموده و با تصویب قوانین و مقررات مربوطه و یا تشکیل سازمان های نظارتی مانند نظام مهندسی، استاندارد و... از تشدید خسارات ناشی از وقوع حوادث طبیعی پیشگیری نموده و عاملان خسارت را به جبران ضرر محکوم می نماید.

با توضیحاتی که ارائه شد، بخوبی درمی یابیم که قاعده لاضرر در قلمرو زیست محیطی نیز جاری است؛ چرا که استفاده از طبیعت به عنوان حقی از حقوق عامه بوده و لذا همه افراد می بایست به نحو یکسان از مزایای آن بهره مند گردند. بنابراین شارع مقدس اجازه نمی دهد که کسی در قالب بهره برداری از طبیعت، با افراط در بهره برداری و سودجویی بی رویه از محیط زیست، موجبات اضرار به دیگران را فراهم نماید، چرا که در اسلام، «ضرر و ضار» وجود ندارد. لذا قاعده لاضرر حمایت روشن و شفافی از محیط زیست داشته و ضمن آموختن مناسب ترین راه بهره برداری بهینه از طبیعت از استفاده سوء از منابع طبیعی که موجبات تضییع حقوق دیگران و زمینه وقوع برخی حوادث طبیعی و یا تشدید خسارات ناشی از آن را فراهم می سازد، جلوگیری نموده و به قانونگذار اجازه پیگرد قانونی مخربان را می دهد.

#### ۲-۳-۲-۳-۳- قاعده نفی عسر و حرج

در فقه اسلامی، مطابق قاعده نفی عسر و حرج، هر گونه ضیق و درتنگنا قرار گرفتن، از نظر دین اسلام ممنوع است. (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۱۱۳) کاربرد این قاعده فقهی در مسائل زیست محیطی و تخریب منابع طبیعی که منجر به وقوع برخی حوادث طبیعی نیز می گردد، اینگونه توجیه می شود که زندگی بشر یک زندگی جمعی است و منابع طبیعی متعلق به یک نسل نمی باشد، بلکه باید در کنار بهره برداری بهینه هر نسل، بهره وری نسل های آینده نیز مد نظر قرار گیرد. لذا تخریب محیط زیست عامل ورود حرج و مشقت به حقوق نسل کنونی و نسل های آتی است که آن ها را در تامین منابع مورد نیاز خود دچار ضیق و تنگنا می کند. بنابراین مطابق قاعده نفی عسر و حرج، انسان ها از به تنگنا گذاشتن و تحمیل عسر و حرج به یکدیگر منع شده اند. قانونگذار نیز می بایست با مد نظر قرار دادن این قاعده فقهی در اعطای مجوز بهره برداری از این منابع به افراد، علاوه بر جلوگیری از ورود عسر و حرج بر آحاد جامعه، استفاده از منابع طبیعی همگانی را در انحصار افرادی خاص قرار ندهد، چرا که ممکن است در گذر بهره برداری انحصاری این افراد از این منابع، نسل های آینده به سختی و مشقت دچار شوند.

از سوی دیگر عواقب مشقت آور تخریب محیط زیست، وقوع حوادث طبیعی است که سبب ایجاد حرج و سختی برای مردم می شود و زندگی روزمره آن ها را از حالت عادی خارج می کند. به عنوان مثال بهره برداری های بی رویه از منابع آبی آیندگان را در معرض کمبود منابع آبی قرار داده، آلودگی های صنعتی ناشی از ورود تکنولوژی های مدرن

باعث تشکیل گازهای گلخانه‌ای، سوراخ شدن لایه ی ازون و آلودگی هوا خواهد شد که افراد مختلف از جمله بیماران قلبی و عروقی را دچار مشقت و تنگنا می‌کند. همچنین جنگل زدایی و قطع بی رویه درختان و مراتع باعث فرسایش خاک و وقوع سیلاب و ریزگرد و رانش زمین می‌گردد که باعث برهم خوردن تعادل زیست محیطی و ورود خسارات فراوان به منازل مسکونی و دشواری در زندگی عادی می‌گردد. بنابراین ورود این قاعده می‌تواند در نفی عسر و حرج و الزام مخربان طبیعت به جبران خسارت موثر باشد.

حال با توجه به مفاد قاعده لاضرر و لا حرج، گاهی در امداد رسانی، ممکن است امدادگر به مصدوم یا دیگران خسارتی برساند، در این صورت بین این دو قاعده تعارض بوجود می‌آید، چرا که مطابق قاعده لاضرر، وارد کردن هرگونه ضرر به دیگران مورد نکوهش قرار گرفته و طبق قاعده نفی عسر و حرج هرگونه سختی از آدمی نفی شده است. لذا با عنایت به دلایل معتبر نقلی و نیز عقل سلیم که نجات جان آدمی را مهم می‌داند، قاعده نفی عسر و حرج بر لاضرر مقدم بوده و در صورتی که نجات مصدوم جز در صورت اضرار به غیر میسر نباشد، به ناچار باید مرتکب ضرر شد. (امیدی فرد و دیگران، ۱۳۹۳: ص ۸۲) البته هرچند امدادگر از باب قاعده اتلاف، ضامن جبران خسارت وارده می‌باشد لیکن در صورت عدم تعدی و تفریط، از باب قاعده احسان (هرگاه شخصی با نیت نیکوکاری به دیگران موجب وارد شدن خسارت به آنان شود، اقدامش مسئولیت آور نیست) (توبه: ۹۱) ضامن شناخته نمی‌شود.

۲-۳-۳- مرحله بعد از وقوع بحران

۲-۳-۳-۱- سازماندهی و نظارت

در این مرحله، میزان شتاب زدگی به دلیل عبور از بحران کاهش یافته و سرعت، دقت، سازماندهی همراه با برنامه‌ریزی جامع جایگزین آن می‌شود. مدیریت بحران در این مرحله به یک سازماندهی قوی در نیروی انسانی، حمل و نقل و کمک‌های امدادی نیازمند است تا با هدایت آن‌ها، جریان امداد رسانی را تسریع بخشیده و ضمن تشدید نظارت و جلوگیری از تکروری و موازی‌کاری و سوءتدبیر، از فرصت‌های ایجاد شده جهت کاهش مشکلات آسیب‌دیدگان بهره‌برد.

۲-۳-۳-۲- ارزیابی، بازسازی و باز توانی

در این مرحله پس از یک ارزیابی جامع از انواع خسارات، منابع و نیازمندی‌ها، ضمن برقراری موازنه بین خسارات و منابع موجود، نتایج آن برای بازسازی و باز توانی مدنظر قرار می‌گیرد و با مطالعه دقیق در ویژگی‌های توسعه پایدار و لحاظ مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیای منطقه و نیز رعایت اصول نظام مهندسی، اسکان دائم آسیب‌دیدگان مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین در این مرحله، با تامین امنیت فراگیر و ادامه کمک‌های بهداشتی و درمانی، جهت پیشگیری از بروز بیماری‌های واگیردار و آسیب‌های روانی و اجتماعی، زمینه باز توانی و بازگشت سلامت جسمی و روحی حادثه‌دیدگان فراهم می‌گردد. (بیرویدیان، ۱۳۸۵: ص ۵۳)

۲-۳-۳-۱- قاعده اتلاف

یکی دیگر از قواعد فقهی که می‌تواند در مدیریت و پیشگیری از حوادث طبیعی کارایی داشته باشد، قاعده اتلاف است که یکی از قواعد مورد اتفاق و بلکه از مسلمات تمامی فرقه‌های اسلامی است و حتی می‌توان گفت که از ضروریات دین مبین اسلام است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ص ۱۷) مباحث مربوط به اتلاف در قاعده‌ای به همین نام

و با عبارت «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» در کتب فقهی مطرح است، لذا هرگاه کسی مال دیگری یا منابع مترتب بر آن را بدون اذن صاحبش تلف کند، در برابر صاحب آن ضامن و مسئول است. (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷، ص ۴۳۴) اگر چه پاره‌ای از فقیهان این قاعده را مدلول روایت می‌دانند، (علامه حلی، ۱۴۱۹، ص ۳۱۴) لکن جمله «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» روایت نیست بلکه اصطیاد و برگرفته از روایات است. (خویی، ۱۴۱۷، ص ۱۳۱) ثمره فقهی این بحث، این است که اگر این قاعده، متن آیه و یا روایت باشد مانند قاعده «لاضرر» در موارد مشکوک می‌توان به اطلاق لفظی آن تمسک کرد ولی چون این قاعده مصطاده از آیات و روایات و ادله دیگر است، به اطلاق لفظی آن نمی‌توان تمسک کرد، بلکه فقط به اطلاق ادله قاعده، می‌توان تمسک کرد.

اتلاف از ریشه تلف به معنای «نابود ساختن و تباه کردن» آمده و در اصطلاح به معنی «خارج کردن مال از حیز انتفاع» است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶) مثل اینکه کسی مال متعلق به دیگری را از بین ببرد. در تعریف مال نیز آمده است: هر چیزی که دارای منفعت و مورد رغبت عقلاً باشد و شارع آثار مالیت را بر آن مترتب کند و طبعاً بیع، صلح و دیگر تصرفات در آن را اجازه دهد و اتلاف آن را موجب ضمان بداند مال محسوب می‌شود (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۰) از آنجا که غالباً منابع و عناصر زیست محیطی در زمره ثروت‌ها و اموال عمومی قرار داشته و جزو انفال و مشترکات عمومی است که در اختیار امام و در غیاب ایشان در اختیار حاکم اسلامی می‌باشند و چون در تملیک شخصی افراد نیستند می‌توان بر آن‌ها مال غیر اطلاق نمود؛ (عمید زنجانی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۳) حاکم اسلامی نیز می‌بایست به منظور مصرف آن‌ها در جهت مصالح عمومی، بر حفظ این اموال نظارت نماید.

نقش بازدارنده قاعده اتلاف در پیشگیری از وقوع حوادث طبیعی و جبران خسارات ناشی از آن، این گونه بیان می‌شود که اگر کسی با بهره برداری بی‌رویه و تخریب منابع طبیعی به محیط زیست آسیب بزند و باعث اتلاف سرمایه‌های طبیعی همگانی شده و زمینه وقوع حوادث طبیعی را فراهم سازد، مکلف به جبران خسارت می‌باشد. با توجه به این که اصل اولیهی مورد پذیرش مبنای مسئولیت مدنی در کشور ما، بر اساس قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و برای دعاوی جبران خسارت نیاز به اثبات تقصیر وجود دارد و این مسئولیت پاسخ‌گوی نیازهای جامعه‌ی امروزی در خصوص جبران خسارت وارده بر محیط زیست نمی‌باشد؛ لذا با استمداد از اصول و قواعد فقهی مانند قاعده اتلاف و کمک جستن از قوانین و مقرراتی چون اصل پنجاهم قانون اساسی و نیز تفسیر قوانین خاص زیست محیطی می‌توان مسئولیت مطلق و بدون اثبات تقصیر را به عنوان مبنایی مناسب برای مسئولیت مدنی زیست محیطی مخربان طبیعت پذیرفتنابراین قاعده اتلاف می‌تواند در پیشگیری از ورود خسارت و جبران خسارات زیست محیطی نقش مناسبی ایفا نماید. بر این اساس هر فردی که دست به تخریب محیط زیست بزند، در برابر آن ضامن خواهد بود. ضمن اینکه با عنایت به شرط نبودن قصد در اتلاف، می‌توان به مبنایی مطلوب و ساده تر برای رجوع به عاملین خسارت به محیط زیست دست یافت.

### نتیجه گیری

انسان برای رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی، به مسئولیت خود در حفظ و حراست از محیط زیست به درستی عمل نکرده است. لذا با بهره برداری بی‌رویه از مصادیق طبیعت و نادیده گرفتن حق استفاده دیگران از این

نعمت خدادادی بویژه در قرن معاصر که با افزایش جمعیت و سرعت تکنولوژی همراه است، گاهی بطور مستقیم زمینه وقوع برخی حوادث طبیعی و گاهی نیز بطور غیر مستقیم زمینه ایجاد تغییرات اقلیمی و اکوسیستم طبیعی و بالتبع تشدید حوادث طبیعی و خسارات ناشی از آن را فراهم آورده است. این تغییرات آنچنان در وضعیت آب و هوای کره زمین، دگرگونی ایجاد کرده است که سلامتی و حیات بشر و سایر موجودات زنده را به خطر انداخته و شرایط را به سمت وخامت اوضاع پیش برده است که امروزه از آن به عنوان «بحران محیط زیست» یاد می‌شود. با توجه به نقش بنیادین و تأثیر کاربردی قواعد فقهی در نظام حقوقی ایران و گستره اهمیت و کارآمدی آن، در رویه جاری نظام قضایی، می‌توان به کارآیی این اصول و قواعد فقهی در جهت پیشگیری از خسارات حوادث طبیعی و جرم‌انگاری و تعقیب قضایی مخربان طبیعت و وضع قوانین بازدارنده در این حوزه، اشاره کرد که علاوه بر کمک به دستگاه قانونگذاری، قادر است ضمن رفع بسیاری از مشکلات موجود در دادگاه‌ها، از حجم پرونده‌های انباشته کاسته و خدمات حقوقی قابل توجهی را به جامعه ارائه نماید.

#### ۴- پیشنهادات

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در این پژوهش، به نظر می‌رسد همچنان که انسان می‌تواند در وقوع حوادث طبیعی تأثیرگذار باشد، به همان اندازه توانایی پیشگیری از وقوع و یا تقلیل خسارات این حوادث را از طریق مدیریت کارآمد بحران دارا می‌باشد. بدین منظور پیشنهاداتی در جهت تسریع در روند مدیریت بحران حوادث طبیعی، ارائه می‌شود که عبارتند از:

- ۱- گسترش آگاهی زیست محیطی و فرهنگ سازی عمومی در آحاد جامعه به منظور رویارویی با عوارض ناشی از حوادث طبیعی و کاهش خسارات آن با توجه به تعمیق باورهای دینی مردم و تلاقی آن با فرهنگ اصیل ایرانی.
- ۲- معرفی ظرفیت اخلاق زیست محیطی دین اسلام و پیشوایان دین به جهانیان و استفاده از الگوی برنامه مدون اخلاق محور آن در امور اجتماعی بشر و حفظ توسعه پایدار منابع طبیعی.
- ۳- اقدامات عملی موثر در جهت جلوگیری از تخریب و اتلاف منابع طبیعی، از جمله: کاشت درخت و جلوگیری از فرسایش خاک، ایجاد مجتمع‌های آب شیرین کن و مجتمع‌های مدیریت پساب فاضلاب شهری و صنعتی، مراقبت از هدر رفت آب‌ها و جلوگیری از آلودگی منابع آبی، جلوگیری از قطع بی رویه درختان و نابودی جنگل‌ها و مراتع به بهانه احداث جاده و ساختمان، استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در احکام قضات.
- ۴- تصویب قوانین جامع و بازدارنده در حمایت از محیط زیست و برطرف کردن خلأ‌های قانونی موجود همچون برخورد های سطحی و نامناسب با تخریب کنندگان طبیعت، نظارت بر جلوگیری از ساخت و ساز غیرفنی، نایمن و بدون توجه به طرح آمایش سرزمینی در کشور.
- ۵- بهره‌گیری از تکنولوژی و ابزارهای نوین زیست محیطی و تجربیات حوادث طبیعی و استفاده از ظرفیت دیپلماسی در ارتباط با کشورهایی که تجربیات موفقی در کاهش اثرپذیری از این حوادث دارند.
- ۷- آموزش و توانمند سازی نیروها و ارائه آموزش‌های همگانی قبل از وقوع بحران و توسعه بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی و حمایت از دکترین بسیج عمومی.



## منابع

الف-فارسی و عربی

\*قرآن

\* نهج البلاغه

- ۱- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین(۱۴۱۳ق)، منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، جزایری، محمد جعفر، دار الکتب، قم.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۹ش)، عیون اخبار الرضا (ع)، قزوینی، محمدصالح، مسجد مقدس جمکران، قم.
- ۳- احمدی، محمد(۱۳۹۳)، عدالت زیست محیطی؛ در مکتب تربیت توحیدی، فصلنامه صدرا شماره ۱۰، صفحه ۲۵-۳۱.
- ۴- اسماعیل زاده، بهروز(۱۳۹۳ش)، سازمان نظام مهندسی ساختمان، روزنامه ایران، ۵۶۵۰.
- ۵- امیدی فرد، عبدالله، جوکار، سیدمهدی، عرب احمدی، مجیدرضا (۱۳۹۳ش)، «تحلیل فقهی حقوقی امداد و نجات»، مجله امداد و نجات، ش ۴.
- ۶- بیرودیان، نادر (۱۳۸۵ش)، «مدیریت بحران اصول ایمنی در حوادث غیر منتظره»، جهاد دانشگاهی، مشهد.
- ۷- جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۶)، ترمینولوژی حقوق، گنج، تهران.
- ۸- حرانی، ابو محمد (۱۳۸۲ش)، تحف العقول، حسن زاده، صادق، امام علی(ع)، قم.
- ۹- حسینی، حسین (۱۳۸۵ش)، بحران چیست و چگونه تعریف می شود؟، فصلنامه امنیت، ش ۱ و ۲.
- ۱۰- حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۱۱- خوانساری، جمال الدین محمد(۱۳۷۵ق)، شرح غررالحکم و دررالکلم، دار الکتب الاسلامی، قم.
- ۱۲- خویی، ابوالقاسم(۱۴۱۹ق)، أجود التقریرات، نایینی، محمدحسین، کتابفروشی مصطفوی، قم.
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۰۳)، مفردات الفاظ القرآن، داوودی، صفوان عدنان، دارالشامی، بیروت.
- ۱۴- سبزواری، سید عبدالاعلی(۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، دارالتفسیر، قم.
- ۱۵- سند راهبردی امداد و نجات کشور(۱۳۹۹-۱۳۹۵ش)، جمعیت هلال احمر ایران.
- ۱۶- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۹ق)، الجامع الصغیر، دار الفکر، بیروت.
- ۱۷- شاهپری، غزال (۱۳۹۵ش)، «بیمه راهکاری موثر در مدیریت مخاطرات طبیعی»، مدیریت مخاطرات طبیعی، ش ۴.
- ۱۸- شیروانی، علی (۱۳۸۶ش)، نهج الفصاحه، دارالفکر، قم.
- ۱۹- عاملی، شیخ حرمحمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، آل البيت، قم.

- ۲۰- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹)، نهاییه الاحکام فی معرفه الاحکام، ج ۱، موسسه آل البیت (ع)، قم.
- ۲۱- علامه طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۴ش)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، مطهری، مرتضی، صدر، تهران.
- ۲۲- علامه طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۱)، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، محمدباقر، ج ۱۹. دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۲۳- علامه مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳ش)، بحار الانوار، موسوی همدانی، ابوالحسن، کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (ع)، تهران.
- ۲۴- عمید، حسن (۱۳۶۳ش)، فرهنگ فارسی، امیر کبیر، تهران.
- ۲۵- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۹)، موجبات ضمان، نشر المیزان، تهران.
- ۲۶- قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران (۱۳۸۶ش)، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- ۲۷- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ش)، اصول کافی، مصطفوی، جواد و رسولی، هاشم، کتاب فروشی علمیه اسلامی، تهران.
- ۲۸- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۲۹- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، حیانی، بکری و سقا، صفوه، موسسه رسالت، بیروت.
- ۳۰- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۳)، قواعد فقه، ج ۱، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
- ۳۱- محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۹۳ش)، سوگنامه آل محمد (ص)، ناصر، قم.
- ۳۲- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳ش)، میزان الحکمه، شیخی، حمیدرضا، دارالحديث، قم.
- ۳۳- مشهدی، علی (۱۳۸۹ش)، ترمینولوژی حقوق محیط زیست، خرسندی، تهران.
- ۳۴- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش)، اسلام و مقتضیات زمان، صدر، تهران.
- ۳۵- معین، محمد (۱۳۴۲ش)، فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ش)، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۳۷- موسوی بجنوردی، حسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیة، ج ۱، درایتی، محمد حسین، مهریزی، مهدی، نشر الهادی، قم.

ب- لاتین

- 1- Foster, H.D. (1980). Disaster Planning. The preservation of life and Property. Spring Velag.
- 2- UNDP (2002). An Overview of Disaster Management. Training Modules, UN. Disaster Management. Training Program.

## **Jurisprudential deliberation of crisis management in natural disasters**

**Hasan Hasan zadeh, Mohammad Adiby mehr**

### **Abstract**

Nature and the universe, which is the divine mercy of all beings, has its own system in addition to numerous benefits, sometimes has harmful effects for creatures, of which natural disasters are among them. Because of the ignorance of the wisdom of these events, human beings often consider the injustice and absolute evil to be an unreasonable look and unfair judgment and are far from the truth. Regarding to the wisdom of occurrence of the events of the The universe of nature as coming in the Quran and narratives and the necessity of having correct management of the crisis for the purpose of coping with the consciousness and turning the threat of these disasters into human opportunity, this research seeks to be descriptive and analyzing and collecting information in a library method with the use of dynamic Islamic jurisprudence and its application in solving the problems of the updates to study the strategies for preventing and confronting these incidents and expressing the jurisprudential foundations of crisis management in natural disasters.

**Keywords: natural disasters, crisis management, verses and narratives, disasters, prevention.**